

بدلیسی و تاریخ او

به مناسبت تصحیح و انتشار تاریخ هشت بهشت

در مورد تاریخ تولد ادریس بدلیسی، در منابع مذکور هیچ گونه ذکر نرفته است، ولی با ارزیابی و بررسی برخی از سرخ‌ها می‌توان احتمال داد که وی در ۱۴۵۲ و یا ۱۴۵۷ م یا در سالی ما بین این دو تاریخ به دنیا آمده است. خود ادریس بدلیسی، در مقدمه اثرش «حق‌المبین» می‌نویسد که در آغاز جوانی‌اش در سال ۸۷۶ هـ ق / ۱۴۷۲ م. ملا [عبدالرحمن] جامی، همراه کاروان حج به تبریز آمده و وی اطلاع یافت که پدرش با وی ملاقات کرده است (توکل، ۱۹۷۴: ۴).

بدلیسی سال‌های آخر عمر خویش را در استانبول سرگرم کارهای علمی و نوشتن آثارش بود و در تاریخ ذیحجه ۹۲۶/نوامبر ۱۵۲۰ (اندک زمانی پس از فوت سلطان سلیم اول) در این شهر درگذشت. تقریباً تمامی مؤلفان فوت وی را در استانبول نوشته‌اند. با این همه، در مورد تاریخ فوتش نظرات مختلفی ذکر شده است. برخی منابع تاریخ ۹۲۱ هـ ق / ۱۵۱۵ م. (فندی، ۱۲۹۹، ج ۱: ۱۱۰)، (سامی، ۱۳۰۶، ج ۲: ۸۱۱) برخی دیگر سال ۹۱۱ هـ ق / ۱۵۰۵ م. (حیب، ۱۳۰۵: ۵۹) بعضی دیگر ۹۳۰ هـ ق / ۱۵۲۳ م. (چلبی، ۱۹۴۱، ج ۱: ۲۱۸) را سال فوت وی نوشته‌اند. در حالی که همه این تاریخ‌ها اشتباه است، زیرا پسر بدلیسی در مقدمه‌ای که برای «سلیم‌نامه» پدرش نوشته، آورده است که او در ماه ذیحجه سال ۹۲۶/۱۵۲۰ م. فوت کرده است که درست‌ترین تاریخ هم همین است. پس با توجه به قبول این تاریخ فوت (۹۲۶)، ادریس بدلیسی باید در سن ۶۵ و حداکثر ۷۰ سالگی فوت کرده باشد. آرامگاه ادریس بدلیسی در استانبول، سمت محله ایوب امروزی در «کوشک ادریس» که به نام خود وی است و یا در باغچه مسجدی که همسرش زینب خاتون ساخته و وقف کرده در محلی که «چشمه» خوانده می‌شود، قرار دارد (مستقیم‌زاده، ۱۹۲۸: ۱۱۲).

بر سنگ قبر او چنین نوشته شده است: «الفاتحه برای روح مرحوم مغفور اطمینان العارفین»

از شخصیت علمی و آثار ادریس بدلیسی می‌توان پی برد که وی در جوانی تعلیم و تربیت بسیار خوبی داشته است. البته اطلاعات مربوط به این موضوع بسیار محدود می‌باشد. مثلاً چندان مشخص نیست که وی نزد چه کسانی و در کجا تعلیم و تربیت یافته است. با این همه، آنچه مشخص است، اینکه او بنا به رسم و عادت زمانش، در کنار عربی و فارسی، علوم عقلی و دینی را هم در دیار بکر و بعد در

دکتر مه‌ری پاکزاد

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مهاباد

اشاره

هشت‌بهشت اثری است در تاریخ امپراتوری عثمانی که بخشی از آن به قلم خانم مه‌ری پاکزاد تصحیح و منتشر شده است^(۱). از مصحح درخواست کردم که خود وی چیزی در معرفی اثر بنویسد که پذیرفت و نوشت.

سردبیر

کلیدواژه‌ها: ادریس بدلیسی، تاریخ‌نگار، هشت‌بهشت

حکیم‌الدین ادریس بن حسام‌الدین علی بدلیسی، تاریخ‌نگار کرد، در دربار آق‌قویونلو، سلطان بایزید دوم و سلطان سلیم اول خدمت می‌کرد. (انوری، ۱۳۸۷، ج ۳) منابع مختلفی او را دانشمند کرد، دولتمرد حکومت عثمانی، شاعر، مؤلف، وقایع‌نویس و منشی دانسته‌اند و بر گردیدن وی تأکید و تصریح کرده‌اند و مولد او را بدلیس دانسته‌اند (Isik, 106). همچنین نوشته‌اند که ادریس بدلیسی، مورخ و دولتمرد ایرانی تبار در دربار سلاطین عثمانی، و در بدلیس کردستان زاده شد. پدرش حسام‌الدین علی از عارفان زمان خود به‌شمار می‌رفت (پورگشتال، ۱۳۶۷، ج ۲: ۷۱۵).

بدلیسی در قصیده‌ای غرا که در مدح سلطان سلیم‌خان در فتح مصر «در رکاب نصرت انتساب سلطانی» درج کرد، ضمن اظهار شکایت خطاب به پادشاه می‌گوید که به خاطر وی از یار و دیار هجرت کرده است. از تبار خود در روم، شام، کرد و دیاربکر چنین سخن می‌گوید:

گرفتم آنکه ندارم برت حق خدمت

ز بهر تو بود این هجرتم ز یار و دیار

به روم و شام و به کرد و دیاربکر مراست

چو بنده زار و پریشان گروه اهل تبار...

(شرفخان بدلیسی، ۱۳۶۴: ۴۴۸)

تبریز، در ایامی که همراه خانواده‌اش به آنجا رفته بود، فراگرفته است. (ادریس بدلیسی، ترجمه و تفسیر حدیث اربعین، رگ ۲۸)

هشت‌بهشت

الف. جنبه تاریخ‌نگاری بدلیسی

ادریس بدلیسی امروزه بیشتر به‌عنوان یک تاریخ‌نگار شناخته می‌شود؛ چرا که برخی از پژوهشگران تاریخ در دوره معاصر فقط به بررسی اثر وی درباره تاریخ یعنی «هشت‌بهشت» پرداخته‌اند. البته او تاریخ‌نگاری نبود که درباره «علم‌تاریخ» فکر و اندیشه‌های جدیدی مطرح کند، بلکه در تغییر و تحول سبک تاریخ‌نگاری عثمانی تأثیرگذار بود. البته عده‌ای به جای اینکه این تأثیر را مثبت ارزیابی کنند به جنبه منفی آن پرداخته و با دیدگاهی منفی آن را ارزیابی کرده‌اند.^۱ بدلیسی پیش از هر چیز شیوه تاریخ‌نگاری فارسی (ایرانی) را وارد تاریخ‌نگاری عثمانی نمود. پیش از وی، کتاب‌های تاریخ اکثراً به ترکی و به میزان کم نیز عربی نوشته می‌شد اما این بدلیسی بود که رسم نگارش تاریخ ترک به فارسی را در عثمانی بنیان نهاد. علاوه بر این بدلیسی ادبیات را وارد تاریخ نمود. کتاب‌ها و آثار تاریخی که پیش از وی تألیف شده بود با روشی ساده و بی‌پیرایه نوشته شده بود ولی ادریس بدلیسی در نوشتن روشی سنگین و پرطمطراق در پیش گرفت. در این مورد گفته شده است که: در واقع تاریخ «هشت‌بهشت» از همان نقطه آغاز یک شاهکار

است و از نظر ادبی نیز جایگاهی ویژه و استثنایی را به خود اختصاص داده است. ادریس بدلیسی، علاوه بر اینکه دانشمند متبحر زمان خود بود، ادیب بودن خود را نیز در اثرش به خوبی و بسیار زیبا نشان داده است. این شیوه به آنجا رسیده که در برخی موارد در جملات ادبی، اطناب به اندازه‌ای است که وقایع تاریخی را در سایه قرار داده است. روش وی در نویسندگی به اندازه‌ای توأم با پیرایش و آرایش کلمات و واژه‌هاست که آن را به‌صورت نثری کاملاً سنگین و غلیظ درآورده و آن را یکی از نمونه‌های سبک مصنوع و فنی در ادب فارسی ساخته است؛ به‌طوری که حتی خواجه سعدالدین که مقلد راستین سبک و روش او بوده، از این وضع فریادش برآمده و شکایت می‌کند. با این همه، بدلیسی با این روش ظریف سبب زایش و تولد سبک جدید تاریخ‌نگاری عثمانی شد و شاید هم به‌طور مستقیم عامل و بانی آن شد (شکری، ۱۹۳۴: ۸۹).

سوم اینکه ادریس بدلیسی به‌طور قطع سعی کرده است در تفهیم وقایع تاریخی، نظم تاریخی و کروئولوژیک را رعایت کرده و وقایع را به ترتیب قرار دهد. البته مورخان از دیرباز در تفسیر وقایع تاریخی تا حدی ترتیب تاریخی را رعایت می‌کردند. اما ادریس بدلیسی تقریباً و معمولاً بر این باور بود که در تفهیم تاریخ باید بین حوادث یک ارتباط و دقیق‌تر بگوییم یک توالی تاریخی برقرار کند، و این خصوصیت و ویژگی سبکی اوست که



ادریس بدلیسی امروزه بیشتر به عنوان یک تاریخ‌نگار شناخته می‌شود. به این سبب که برخی از پژوهشگران تاریخ در دوره معاصر فقط به بررسی اثر وی درباره تاریخ یعنی «هشت‌بهشت» پرداخته‌اند



فهرست مطالب هشت‌بهشت

—مقدمه

- الف. علم تاریخ
- ب. خاندان عثمانی و فضایل آنان

—بهشت اول: عثمان و زمان وی

- الف. مقدمه: ریشه و تبار عثمانیان
- ب. پیش‌گفتار اول و دوم: مناسبات سلجوقی - عثمانی، جلوس عثمان بر تخت و نخستین جنگ‌های عثمانی
- ج. ۱۵ داستان (حکایت): ۶ داستان (حکایت) درباره حوادث پیش از بر تخت نشستن عثمان، ۹ داستان در ارتباط با حوادث بعدی.
- د. نتیجه: فوت عثمان

—بهشت دوم: اورخان و زمان وی

- الف. مقدمه: دلایل بر تخت نشستن اورخان
- ب. پیش‌گفتار اول و دوم: جلوس اورخان بر تخت سلطنت، فضایل و فرمانروایان معاصرش.
- ج. ۱۸ داستان در ارتباط با لشکرکشی‌ها و فتوحات اورخان است.

—بهشت سوم: مراد اول و زمان وی

- الف. ۱۸ داستان: جلوس مراد اول بر تخت سلطنت، فرمانروایی و حوادث زمان وی

—بهشت چهارم: یلدرم بایزید (بایزید اول) و زمان وی

- الف. پیش‌گفتار اول و دوم: جلوس بایزید اول بر تخت سلطنت و فضایل وی
- ب. ۱۶ داستان (حکایت) فرمانروایی بایزید اول و حوادث دوران وی

—بهشت پنجم: محمد اول و زمان وی

- الف. مقدمه: جلوس محمد اول و فضایل وی
- ب. ۲۸ داستان (حکایت): فرمانروایی محمد اول و حوادث زمان وی
- ج. نتیجه: فوت محمد اول

سعی کرده، در «هشت‌بهشت» و «سلیم‌نامه»، (دو کتاب تاریخ خود) رعایت کند.

ادریس بدلیسی در عین حال، از نخستین وقایع‌نگاران

عثمانی و از نخستین تاریخ‌نگارانی است که مأمور نگارش تاریخ رسمی عثمانیان شد.

معرفی هشت‌بهشت

همان‌طور که گفته شد مهم‌ترین اثر ادریس درباره تاریخ عثمانی و شناخته‌ترین اثر در بین تمام آثارش کتاب «هشت‌بهشت» است. کتابی که هم محتوای آن و هم عنوان آن به فارسی است. این عنوان گاهی به صورت «هیشت‌بیهیشت» نوشته و خوانده شده است. که البته این، نه یک خطا و اشتباه است بلکه از اختلاف تلفظ ناشی شده است.^۱

هشت‌بهشت درباره هشت پادشاه نخستین خاندان عثمانی است که سلطان بایزید دوم را هم شامل می‌شود. اثری است بسیار با ارزش، اما متن آن سنگین و ثقیل نوشته شده است و جزو نثر فنی و مصنوع محسوب می‌گردد. همچنین دارای ویژگی‌های ادبی خاصی است که در جای خود اشاره خواهد شد. باینکه «هشت‌بهشت» به نثر نوشته شده، ولی حدود ۸ هزار مصرع شعر نیز در خود جای داده است.

بدلیسی در نوشتن اثرش از آثار نویسندگان تاریخ عثمانی پیش از خود بهره جسته، اما منابع مورد استفاده را مشخص نکرده است. هنگامی که درباره سلاطین پیش از سلطان بایزید دوم اطلاعاتی به دست می‌دهد، استفاده از آثار تاریخ‌نگارانی مثل «تشری»، «عاشق پاشازاده»، و «شکرالله» امری طبیعی است. زیرا به‌ویژه میان مطالب «جهان‌نما» اثر تشری، و این اثر ادریس بدلیسی، مشابهاتی وجود دارد که توجه و نظر فرانتز بابینگر [مورخ و ترک‌شناس آلمانی، F. Babinger = ۱۹۶۷-۱۸۹۱ م] را نیز جلب کرده است. در زیر محتوای «هشت‌بهشت» معرفی می‌شود. اثر، حاوی یک پیش‌گفتار (مقدمه)، هشت بخش (بهشت) و یک نتیجه (خاتمه) است. در ضمن، هر بخش خود حاوی مقدمه‌ها، پیش‌گفتارها و زیربخش‌های فرعی (فصول) و نتایج است.

– بهشت ششم: مراد دوم و زمان وی

الف. پیش‌گفتار اول و دوم، جلوس مراد دوم بر تخت سلطنت و فضایل وی
ب. ۲۸ داستان (حکایت): فرمانروایی و حوادث دوران مراد دوم
ج. نتیجه: فوت مراد دوم

– بهشت هفتم: محمد دوم (فاتح) و زمان وی

الف. مقدمه اول: جلوس محمد دوم بر تخت سلطنت
ب. مقدمه دوم: سلاطین و پادشاهان معاصر وی
ج. پیش‌گفتار (مدخل یا مقدمه)
قلب: فضایل محمد دوم
جناح اول: فرزندان محمد دوم
جناح دوم: وزرا و فرماندهان محمد دوم
د. ۲۹ حکایت: ۲۹ لشکرکشی علیه حکومت‌های مسیحی و مسلمان

– بهشت هشتم: بایزید دوم و زمان وی

الف. مقدمه: فضایل بایزید دوم
ب. مدخل: فرمانروایی بایزید دوم، سلاطین و پادشاهان معاصر وی
ج. قلب: جلوس بایزید دوم بر تخت سلطنت
د. بحث اول: ۸ حکایت: لشکرکشی‌ها و فتوحات بایزید دوم و دیگر حوادث
ه. بحث دوم
جناح اول: فرزندان بایزید دوم، وزرا و فرمانروایان و امرای وی
جناح دوم: علما و دانشمندان دوره بایزید دوم
خاتمه: فوت بایزید دوم و جلوس یاوز سلطان سلیم بر تخت سلطنت

محتوای «هشت‌بهشت» به‌طور مختصر معرفی شد، اما در اینجا در مورد تاریخ نگارش اثر، پرسشی پیش می‌آید. در پیش، با استناد به منابع، اشاره شد که اثر در سال ۱۵۰۶م. به پایان رسیده است، ولی بخش نتیجه (خاتمه) همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، مربوط به فوت بایزید دوم و جلوس یاوز سلطان سلیم، یعنی مربوط به حوادث سال ۱۵۱۲م. می‌گردد. در این صورت، اگر بخش اصلی «هشت‌بهشت» در سال ۱۵۰۶م. به پایان رسیده باشد، دست‌کم باید پذیرفت که بخش خاتمه اندک زمانی بعد نوشته شده است. بنابراین، در کل باید گفت که تاریخ اتمام اثر در سال ۱۵۱۲م. است و به همین خاطر هم هست که محمدطاهر بورسوی، تاریخ نگارش اثر را ۱۹۱۱هـ/۱۵۱۲م. ذکر کرده است (بورسوی، ۱۳۳۱، ج ۳: ۶۹).

«هشت‌بهشت» جزو ارزشمندترین منابع تاریخ عثمانی است و برای مورخان بعد از وی به‌صورت منبع و مأخذ درآمد و در مورخان تأثیر زیادی نهاده است. به‌ویژه خواجه سعدالدین در «تاج‌التواریخ» مصطفی عالی، در «کنه‌الاجبار» رومی ادرنوی در «سلیم‌نامه» و منجم‌باشی در «صفایح‌الاجبار» از «هشت‌بهشت»

بهره بسیاری برده‌اند.

«هشت‌بهشت» به صورت خطی باقی مانده بود و تا به امروز کاری در مورد این اثر [اعم از چاپ، ترجمه و...] صورت نگرفته بود هر چند دس. مارگولیو D.S. Margoliouth خاورشناس مشهور وعده داده بود که متن فارسی اثر را همراه با ترجمه انگلیسی آن در Oriental Translation Fund Series in the Royal Asiatic Society چاپ و منتشر خواهد کرد، ولی نتوانست به قول خود عمل کند. (بایراقدار، محمد؛ ۱۹۹۱)

در اینجا تنها به نسخه‌هایی که نگارنده جهت تصحیح آن‌ها را در اختیار دارد اشاره می‌شود:

نسخه‌های خطی موجود در دست نگارنده

۱. نسخه اساس متعلق به کتابخانه سلیمانیه به شماره ۲۱۹۷.
۲. نسخه مسوده متعلق به کتابخانه نور عثمانیه به شماره ۳۲۰۹.
۳. نسخه معیار که روی اولین برگ آن به خط لاتین نوشته شده «خزینه» به شماره ۱۶۵۵، و متعلق به کتابخانه لندن است.
۴. نسخه بسیار کوچک و کم‌حجمی که آغاز و انجام ندارد. این نسخه به شماره ۴۳۰۵ متعلق به کتابخانه فاتح ترکیه است.

نسخ فوق را در سال ۱۳۸۷ شمسی، جهت شناسایی و تشخیص از نظر استاد نجیب مایل هروی نسخه‌شناس مشهور گذراندم. ایشان با روش نسخه‌شناسی تطبیقی نخست به تصحیح و تورق نسخه‌های مختلف پرداخته و بعد با ملاحظه کردن ویژگی‌های مشترک و مفترق آن‌ها و دقت در ساخت زبانی مؤلف و نیز سبک نویسنده‌گی و سایر وجوه نسخه‌شناسی، اظهار داشتند که سه نسخه اول دستخط خود مؤلف است و طبق آداب نسخه‌شناسی و تجربیاتی که دارند در نسخه‌شناسی این چهار نسخه، نسخه اساس، مسوده و معیار را مشخص نمودند. نسخه چهارم را به علت وجود آشفتگی و نواقص آن، مناسب مطابقت کردن ندانستند و اظهار داشتند که نسخه اول (کتابخانه سلیمانیه) را به علت وجود حواشی زیاد، قلم‌خوردگی و بسیاری پارامترهای علم نسخه‌شناسی، باید نسخه اساس قرار داد و نسخه دوم را به علت افزودن برخی جملات و پاراگراف‌ها و دقتی که مؤلف در پاک‌نویس آن داشته، نسخه مسوده قرار داد و نسخه سوم را که روی آن نوشته شده (خزینه) باید نسخه معیار قرار داد چون این نسخه نهایی مؤلف است و در واقع نسخه آماده شده برای تقدیم به خزینه پادشاهی است. از نظر علم نسخه‌شناسی در جایی که نسخه «معیار» وجود داشته باشد، باید آن نسخه را مبنای کار قرار داد و آن را با نسخ دیگر مطابقت کرد. نسخه‌های موجود به صورت میکروفیلم تهیه و بعد در دانشگاه تهران، در بخش نسخه‌های خطی، تبدیل به سی‌دی شد. در حال حاضر نمونه‌ای از این چهار نسخه در کتابخانه دانشگاه تهران بخش نسخ خطی که سال ۸۷ شمسی توسط نگارنده تحویل شده، موجود است. با دقت در صفحات آغاز و انجام هر چهار نسخه که از میکروفیلم گرفته شده می‌توان تا حدودی به عنوان تبیین توضیحات فوق آن را پذیرفت.

مهم‌ترین اثر
ادریس درباره
تاریخ عثمانی
وشناخته‌ترین
اثر در بین تمام
آثارش کتاب
«هشت‌بهشت»
است

ارزش هشت‌بهشت

در دوره عثمانیان به هشت‌بهشت بیشتر از امروز توجه می‌شد. از جمله سلطان محمود اول، پادشاه عثمانی، در سال ۱۱۱۶هـ.ق/ ۷۳۳ م. دستور داد این کتاب از فارسی به ترکی ترجمه شود و عبدالباقی سعدی (ف، ۱۱۶۱هـ/ ۱۷۴۸م) آن را ترجمه کرد و عنوان آن را همان «هشت‌بهشت» نهاد. مترجم کاتب دیوان بود و بعد در هوتین (شهری در لهستان امروز) به مقام دفترداری رسید. وی که تخلص «سعدی» داشت، اهل «وان» و برادر دُرّی افندی بود، بنا به نظر بابینگر، مترجم دیگری به نام ابن کمال نیز «هشت‌بهشت» را به ترکی ترجمه کرد اما نه تنها تا به امروز به چنین ترجمه‌ای برخورد نشده است، بلکه در فهرست و منابعی که از آثار ابن کمال باقی است نیز چنین اثری وجود ندارد؛ و اطلاعاتی در این خصوص به دست داده نشده است. همچنین استوری، از ترجمه‌های دیگر از «هشت‌بهشت» سخن می‌گوید که توسط حسین بن حسن منشی صورت گرفته و نسخه‌ای از آن تحت شماره ۴۳، سمینوف (Seminov) بخارا ثبت شده است (استوری، ۱۹۷۰، ج ۱: ۴۱۵). اما درباره این ترجمه نیز هیچ‌گونه اطلاعاتی به دست داده نشده است.

شایان ذکر است که ابوالفضل محمد افندی، پسر ادریس بدلیسی، ذیلی بر «هشت‌بهشت» پدر نوشته است که «سلیمان نامه» و یا «ذیل هشت‌بهشت» نام دارد. گفته شده است که نگارش این «ذیل» در سال ۹۷۴هـ/ ۱۵۶۶ م. به پایان رسیده است (همان: ۴۱۶).

سبک نثر هشت‌بهشت

همان‌طور که در پیش‌اشاره شد، کتاب هشت‌بهشت به شیوه مترسلان خوارزمی و جهانگشای جوینی، البته قدری متکلفانه‌تر نوشته شده است. مؤلف در انشای آن بسیار کوشیده است تا سبک عطاالملک جوینی را پیروی کند. در نثر مصنوع این دوره ابداً از حلاوت و فخامت نثر فنی قرن ششم و هفتم خبری نیست و هرچه هست تکلف، و بی‌ذوقی و غلط‌پردازی است.

ویژگی‌های نثری کتاب هشت‌بهشت

به هر حال از ویژگی‌های مهم نثر کتاب هشت‌بهشت حکیم ادریس بدلیسی می‌توان فهرستوار به موارد زیر اشاره کرد:
- استفاده از آیات و احادیث، مانند:

ماشاءالله، این چه دریای عمان رحمت و عطای بی‌کران است و این چه محیط سحاب‌انگیز در افاضه مکرمت و احسان که یک قطره نطفه بی‌مقدار آن سرزنش شنیده خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالِ كَالْفَخَّارِ^۱ و آن یک رشحه ذره کردار آن شماتت کشیده خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ^۲ را از امطار امطار و ترشیخ اقطار شنمی از بحر زخار نوال پرتوال در ظلال اطلال گلشن جود و افصال از هر دو گلستان پر زواهر افلاک و جواهر عناصر، انور و

ازهر فرمودی.

- در آمیختگی نظم و نثر

- فراوانی واژه‌های عربی در نثر که سبب شده گاهی الفاظ عربی جای واژه‌های فارسی را هم بگیرند مانند: امطار و امصار، طوامیر و مصباح و ضاح...

- به کار بردن نام جای‌ها و مکان‌ها و اشخاص و اقوام ترکی مانند: آینه نقول، آینه گول، شیخ اده‌بالی و اورخان و...

- رواج ترکیب‌های جمله‌مانند که اکثر به صورت تتابع اضافات آمده، مثل: استلام بارگاه سپهر استلام. یا... ملک فرح رسوم... اکتل قیاصره شرایع انتصار...

- اطناب و درازگویی در میان اکثر صاحب‌قلمان این دوره به‌ویژه در نثرهای تاریخی و توصیفی یا در منشآت، به‌ویژه در سلطانیات عمومیت دارد و به‌خصوص در دیباچه‌ها و سرفصل‌ها و مقدمه‌چینی‌ها و فرمان‌های شاهی به‌فور دیده می‌شود.

- نثر مصنوع در این دوره نماد و نمودی ممتاز ندارد. زیرا نه زمانه اقتضای آن را دارد و نه نویسندگان و نه خوانندگان مایه و سودای لازم را برای ایجاد و التذاذ از آن دارند و آنچه بیشتر مورد توجه است، اطناب، واژه‌های مسجع و مترادف و مضاعف بر یکدیگر و عبارت‌سازی‌های بی‌مزه است که پس از دوره آغازین عصر صفوی، به تدریج مطبوع اهل زمان می‌شود و انشای متمایل به صنعت‌گری یا نثر مصنوع مطلوب واقع می‌شود.^۳ با این همه در بسیاری از بخش‌های کتاب، نثر ادریس بسیار اعجاب‌انگیز است و قلمی بسیار استوار در سطر سطر آن دیده می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. مشخصات: هشت‌بهشت، جلد اول، تألیف ادریس بدلیسی، مقدمه، تصحیح و تعلیقات، دکتر مه‌ری پاکزاد، چاپ اول، ۱۳۹۷، سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
۲. ادریس در مقدمه هشت‌بهشت، لفظ و مفهوم تاریخ را تعریف کرده است و فایده‌های تاریخ را بیان نموده، به طوری که تا آن موقع در تاریخ‌نگاری عثمانی، مرسوم نبود. برای اطلاع بیشتر رک: هشت‌بهشت، مقدمه.
۳. برای مثال رک به: احمد زکی ولیدی طغان، سبک در تاریخ، دانشکده ادبیات و فنی دانشگاه استانبول، شماره ۴۴۹، استانبول، ۱۹۶۹، ص ۲۰۸.
۴. ال‌رحمن/ ۱۴
۵. الاعراف/ ۱۲
۶. صفا، ذبیح‌الله؛ تاریخ ادبیات در ایران، بخش ۳، ص ۱۴۴۹

منابع

۱. استوری؛ ادبیات فارسی، ج ۱، بخش ۱، یادداشت ۱، (1970, C.A. storey) Persian Literature, C.I, Kisim I, London.
۲. ابوالفضل محمد افندی؛ سلیم‌شاه‌نامه، نسخه خطی فارسی، کتابخانه لالا اسماعیل افندی، شماره ۱۱۳۴۸، برگ ط ۳۸.
۳. انوری، حسن؛ فرهنگ اعلام سخن، ج ۳، تهران: سخن، ۱۳۸۷.
۴. یابرقدار، محمد؛ ادریس بدلیسی، انکار؛ انتشارات وزارت فرهنگ ترکیه، ۱۹۹۱ م.
۵. توکلی، حسن؛ قانون شاهنشاهی، دانشکده ادبیات و فنی دانشگاه استانبول، گروه تاریخ، ۱۹۷۴ م.
۶. حبیب؛ خط و خطاطین، استانبول: بی‌نا، ۱۳۰۵ هـ.ق.
۷. رفعت‌افندی، احمد؛ لغات تاریخیه و جغرافییه، استانبول: بی‌نا، ۱۲۹۹ هـ.ق.
۸. شگری، محمد؛ تأسیس حکومت عثمانی، انکار؛ ۱۹۳۴ م.
۹. شمیسا، سیروس؛ سبک‌شناسی نثر، چاپ دوم، تهران: نشر میترا، ۱۳۷۷.
۱۰. کاتب‌چلبی، حاجی خلیفه؛ کشف‌الظنون، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۹۴۱ م.
۱۱. مستقیم‌زاده؛ تحفه الخطاطین، استانبول: بی‌نا، ۱۹۲۸ م.